

بغض محراب

تأملی در رونق و شکوه از دست رفته مساجد



قادر باستانی تبریزی پژوهشگر علوم ارتباطات

بهار ایمان که فرامی‌سید، رنگ و بوی زندگی تغییر می‌کرد. در گذشته، با آغاز ماه رمضان گویی پرده‌ای از آرامش بر شهر گسترده می‌شد. جرم و جنایت کاهش می‌یافت، مردم مهربان‌تر می‌شدند و گذشت و ایثار در رفتارها بیشتر به چشم می‌آمد. مساجد پُر از جمعیت بود، صفوف نمازگزاران تا بیرون از درهای شبستان امتداد می‌یافت و منبرها، مأمین دل‌هایی بودند که در پی معنویت می‌گشتند. اما امروز این تصویر آشنا رنگ باخته است. چندی پیش گنبد به میدان امام حسین افتاد. غروب بود و آذان دل‌نشین مؤذن زاده در فضا طنین انداز. طبق عادت، برای نماز اول وقت به مسجد رفتم؛ مسجدی که روزگاری از ستون‌های معنوی تهران به‌شمار می‌رفت، حالا غربی عمیقی را ندای می‌کرد. شب جمعه بود، اما تنها دو ردیف صف از نمازگزاران شکل گرفته بود؛ اکثر آسماندانی که برخی توان ایستادن نداشتند و روی صندلی نماز می‌خواندند. صحنه‌ای غمبار بود.

چه بر سر ایمان جمعی ما آمده است؟ چرا مساجد که روزگاری محور انسجام محله‌ها بودند، امروز خلوت و خاموش‌اند؟ من دوران شکوه این مکان‌ها را دیده‌ام؛ زمانی که مساجد تنها محل عبادت نبودند، بلکه سنگر اخلاق، اجتماع و آگاهی بودند. اگر همین نسل می‌انسانال که هفتاد ساله که هنوز نیمه‌جانی به مساجد داده‌اند، دیگر نباشند، آیا آذان و جماعت نیز به تاریخ خواهد پیوست؟!

ایمان، قلب تپنده یک جامعه است. دین نه تنها بُعدی فردی، بلکه کارکردی اجتماعی دارد. زمانی که در کنار دیگران برای عبادت می‌ایستیم، حسن تعلق و همبستگی را تجربه می‌کنیم. ایمان، نیرویی است که به انسان‌ها معنا و هدف می‌بخشد. جوامع دیندار، در برابر بحران‌ها مقاوم‌ترند، چرا که دین، روایتگر هویت جمعی و مسیر همزیستی است، اما ما با این سرمایه چه کرده‌ایم؟

در سراسر جهان، بازگشتی به دین مشاهده می‌شود؛ اما نه دینی که ابزار اعمال نظر باشد، بلکه ایمانی که با امید و آزادی پیوند خورده است. این همان چیزی است که برخی را متعجب و حتی خشمگین کرده است. چرا که نیاز انسان به معناپذیری، انکارناپذیر است. ما که انقلاب‌مان را به نام دین برپا کردیم، چگونه به نقطه‌ای رسیدیم که مراجع از خلوتی مساجد ابراز نگرانی می‌کنند؟ مردم از چه گریز کرده‌اند؟ چرا آن‌ها نرسد و الفت میان جامعه و دین، دیگر برقرار نیست؟ آیا نه این است که دین را در خدمت منافع کوتاه‌مدت و اهداف سیاسی قرار دادیم؟ هرگاه دچار بحران شدیم، به‌جای اصلاح، از دین هزینه کردیم. گاه آنچه از منبرها شنیده شد، با آنچه در عمل اتفاق افتاد، تناقض داشت. نتیجه این رفتار، تضعیف اعتماد عمومی به نهاد دین بود.

هر سال میلیاردها تومان از بودجه کشور به نهادهای دینی اختصاص می‌یابد، اما آیا این هزینه‌ها اثرگذار بوده‌اند؟ شاخص‌های دینداری نشان می‌دهد که ایمان نه با تبلیغات که با رفتار و صداقت زنده می‌ماند. مردم به تظاهر و تصنع حساس‌اند؛ ایمان را نمی‌توان به اجبار تقویت کرد. یکی از خطاهای بزرگ، جناحی‌سازی مساجد و خطبه‌های نماز جمعه بود. جایی که می‌توانست کانون وحدت باشد، به عرصه اختلافات محلی بدل شد. برای بازگرداندن مساجد به جایگاه حقیقی‌شان، نخست باید مشکل را بی‌بیزیریم و به‌جای توجیه، آن را آسیب‌شناسی کنیم. چرا مساجد دیگر پررونق نیستند؟ چرا روحانیان دیگر نفوذ گذشته را ندارند؟ چرا مردم، دین را از عرصه عمومی به حوزه خصوصی خود برده‌اند؟ این پرسش‌ها، پاسخ‌های علمی و دقیقی می‌طلبد. بدون شناخت درست، راه‌حلی کارآمد نخواهیم یافت. ما نیازمند یک تحول جدی در سیاست‌های دینی، خطابه‌ها و روش‌های تبلیغی هستیم. باید حضور مردم را در مساجد تسهیل کنیم، مرز فعالیت‌های مذهبی و سیاسی را مشخص سازیم و اجازه دهیم ایمان، آزادانه در دل‌ها جاری شود. هیچ تغییری یک‌شبه رخ نمی‌دهد و هیچ بحران هم ناگهانی بوجود نمی‌آید. امروز که محراب مساجد در حسرت شکوه و رونق گذشته، بعضی فروخورده دارد و امروز که نوباوگان و جوانان از نهاد دین فاصله گرفته‌اند، باید به خود آیم. دین سرمایه‌ای نیست که به بهای منافع زودگذر خرج شود. ایمان مردم بازیچه سیاست نیست. اگر حقیقتاً دغدغه دین داریم، باید به مردم بازگردیم؛ به صداقت، اخلاق و همدلی. نه با تبلیغات پرهزینه و نه با اجبار و فشار، بلکه با اصلاح خود، با اعتمادسازی و با زودن غبار سیاست از چهره دین. ایمان مردم در خطر است. بیدار شویم و جریان کنیم؛ دین را به مردم بازگردانیم، پیش از آن که خیلی دیر شود.

۲۴ ساعت

۱۶

24 HOURS

hammihanmedia@gmail.com @Hammihanonline

• صاحب امتیاز و مدیرمسئول: غلامحسین کریماسچی
• مشاوران: عباس عبیدی و احمد زیدآبادی
• سردبیر: محمدجواد روح • معاون سردبیر: مهرداد خدیر
• دبیران گروه‌ها: فرزانه طهرانی (اقتصاد) • آرمن منتظری (دیپلماسی و بین‌الملل)
• علی ورامینی (رسانه و فرهنگ) • سمیه متقی (سیاست) • اناناز محمدی (جامعه) • آرش خاموشی (عکس)
• مدیراداری و آگهی‌ها: شاهرخ حیدری
• مدیر هنری: مهدی قربانی تبار
• هادی حیدری (طرح و کاریکاتور) • حروفچینی و ویراستاری: شهرام هادی

• تلفن روابط عمومی: ۰۰۹۰۰۴۹۳۸۷۲ • تحریریه: ۰۰۲۹۱۳۳۰۸۸۷۳ • آگهی‌ها: ۰۰۵۰۲۳۵۰۸۸۷۳ • نشانی: خیابان شهید بهشتی، خیابان پاکستان، کوچه دوازدهم، پلاک ۱۸
• لیتوگرافی و چاپ: هممیهن. • تلفن چاپخانه: ۰۰۲۱۴۶۸۸۱۱۱۴ • توزیع: نشر گستر امروز نوین • تلفن: ۰۰۰۵۰۶۱۹۳۳۳



عکس: حسین تهرانی/همشهری

چند و چون زنده ماندن سینما

گزارشی درباره عوامل و مولفه‌های اثرگذار در موج تعطیلی، فروش و تغییر کاربری سینماهای قدیمی

تهویه نامناسب و سیستم‌های صوتی قدیمی، تجربه‌ای را به مخاطبان ارائه می‌دهند که با استانداردهای جهانی و سلیقه‌ها و نیازهای نسل جدید همخوانی ندارد. ضمن اینکه هزینه بالای نگهداری یا بازسازی این ساختمان‌ها، باتوجه به قدمت و نیاز به تجهیزات مدرن، هزینه‌بر است. بنابراین مالکان خصوصی اغلب انگیزه یا توان مالی برای چنین سرمایه‌گذاری‌هایی ندارند. از وجهی دیگر پردیس‌های سینمایی جدید، با امکاناتی مانند سالن‌های متعدد، رستوران‌ها و فضاهای تفریحی و سرگرمی، دیگر مخاطبان را از سینماهای تک‌سالنه دور کرده‌اند. منطق پشت ساخت چندین و چند پردیس سینمایی در شهرهای بزرگ مثل اصفهان، مشهد و شیراز نیز همین است. مخاطب می‌طلبد و سرمایه‌گذاران می‌سازند. این در حالی است که بسیاری از شهرستان‌ها همچنان به سینماهای تک‌سالنه و قدیمی وابسته‌اند.



مسعود شاه‌حسینی خبرنگار فرهنگ

در روزهای گذشته خبری منتشر شد که مالکان سینماپارس، این سینما را برای فروش یکجا آگهی کرده‌اند. سینمایی در نزدیکی میدان انقلاب که در دهه ۴۰ ساخته شده و پس از چندسال تعطیلی، حالا مالکان تصمیم به فروش اش گرفته‌اند. این نخستین بار نیست که سینمایی در تهران به‌خصوص در بافت‌های قدیمی، به فروش گذاشته می‌شود یا کاربری‌اش تغییر می‌یابد. پیش‌تر مالکان سینما «عصر جدید» هم همین راه را رفته بودند و درباره سینما «مرکزی» نیز همین نگرانی وجود دارد.

فروش یا تغییر کاربری سینماهای قدیمی و نمادین، از یک نظر پایانی بر حیات یک مکان فرهنگی خاص است و شنیدنش هم بی‌شک ناراحت‌کننده است. اما پرسش مهم‌تر هم وجود دارد: آیا تعطیلی سینماهای قدیمی صرفاً یک اتفاق تلخ یا پیام‌های فرهنگی است یا نقطه عطفی برای تأمل در وضعیت کلی سینمای کشور به‌شمار می‌رود. در سال‌های اخیر فعالان میراث فرهنگی و سینمادوستان، موج تعطیلی سینماهای قدیمی یا تخریب سینماها را به تیشه‌های تعبیر کرده‌اند که بر ریشه هنر و فرهنگ خورده، همچنین از نادیده‌نگاری سیاست‌گذاران و متولیان امر انتقاد کرده‌اند. موضوع پیچیده‌تر از حدی است که صرفاً با تغییر کاربری است.

شکاف عمیق ایران با استانداردهای جهانی

در کشورهای توسعه‌یافته، به‌طور متوسط یک سالن سینما به‌ازای هر ۱۰ تا ۱۵ هزار نفر وجود دارد. این نسبت، دسترسی عادلانه به سینما را تضمین می‌کند، به توسعه فرهنگی کمک می‌کند و سینماداری را نیز از نظر اقتصادی به‌فعالیتی سودآور تبدیل می‌کند. درباره تعداد سینماها و تماشاچیان ایرانی، مطابق داده‌های رسمی سال ۱۴۰۱، تهران با جمعیتی حدود ۹ میلیون نفر، ۸۴ سینما و حدود ۲۵۰ تا ۳۰۰ سالن فعال دارد. این یعنی یک سالن به‌ازای هر ۳۰ تا ۳۶ هزار نفر. در همین حال برخی مراجع مانند «نما» گزارش داده‌اند، در تهران به‌ازای هر ۴۷ هزار نفر، یک سالن سینما وجود دارد. سالن‌هایی که البته بسیاری‌شان در مناطق مرکزی و قدیمی‌تر، فاقد امکانات مدرن هستند و نمی‌توانند تجربه‌ای رقابتی با پردیس‌های جدید ارائه دهند. توزیع جغرافیایی این سینماها نیز نابرابر است. مناطق شمالی و مرکزی تهران، مانند خیابان‌های ولیعصر و انقلاب، تمرکز بالایی از سینماها دارند، در حالی که مناطق جنوبی و حاشیه‌ای، مانند شهرری یا اسلامشهر، از این امکان محروم‌اند. این نابرابری، نه تنها دسترسی فرهنگی را محدود می‌کند، بلکه نشان‌دهنده شکاف طبقاتی در تجربه‌های فرهنگی است.

محرومیت مضاعف شهرستان‌ها

وضعیت در سایر شهرهای ایران نگران‌کننده‌تر است. گزارش‌های سازمان سینمایی نشان می‌دهد که تا سال ۱۴۰۱، حدود ۵۰۰ تا ۵۵۰ سالن سینما در کل کشور (خارج از تهران) وجود داشته که در حدود ۶۰ شهر پراکنده شده‌اند. این یعنی بیش از ۷۰ میلیون نفر از جمعیت ایران، به‌ویژه در مناطق روستایی و شهرهای کوچک، به سالن سینما دسترسی ندارند. برای مثال استان‌هایی مانند سیستان و بلوچستان، کهگیلویه و بویراحمد و خراسان شمالی، یا فاقد سینما هستند یا تنها یک سالن محدود دارند. برای نمونه، نمافر گزارش داده که نسبت سینما به جمعیت در استان سیستان و بلوچستان، یک به ۶۹۴ هزار نفر است. چنین اختلاف چشمگیری نشان‌دهنده تفاوت‌های جدی در توزیع زیرساخت‌های فرهنگی میان استان‌های مختلف کشور است و پیامدهای جدی در پی دارد؛ از محرومیت فرهنگی گرفته تا از دست رفتن فرصت‌های اقتصادی مانند خلق شغل و رونق کسب‌وکارهای محلی و در نهایت تضعیف شدن صنعت سینما که به مخاطبان گسترده برای سودآوری وابسته است.

در تقاطع نوستالژی و مدرنیته

سینماهای قدیمی بخشی از حافظه جمعی، میراث فرهنگی و یادآور دورانی هستند که سینما به‌مثابه تنها سرگرمی در دسترس خانواده‌ها، یکی از چند کارکردش شکل‌دهی به تجربه‌های مشترک فرهنگی و اجتماعی بود. واقعیت امروزی اما به‌گونه‌ای دیگر است: چنین سینماهایی در برابر پردیس‌های سینمایی مدرن با پرده‌های بزرگ‌تر، سیستم‌های صوتی پیشرفته و فضاهای چندمنظوره، از رقابت بازمانده‌اند؛ صندلی‌های فرسوده، پرده‌های دوبعدی،

چهره

انتصاب دوباره منتظری بر جبهه دانشگاهی

علی منتظری که سال‌های زیادی ریاست‌رئیس جبهه دانشگاهی را داشته است، برای چهارمین دوره به سمت ریاست این نهاد انتخاب شد. منتظری که دکتری تخصصی سلامت همگانی‌اش را در دانشگاه گلاسکو گرفته، از ابتدای تأسیس جبهه دانشگاهی در این سازمان مشغول به فعالیت بود و از سال ۱۳۶۴ تا ۱۳۷۰، عضویت شورای مرکزی جبهه بود و مسئولیت بخش فرهنگی آن را برعهده داشت. منتظری یکی از مدیرانی است که در میان تئاتری‌ها محبوبیت زیادی دارد و بسیاری دوره‌ی مدیریت او را در مرکز هنرهای نمایشی از سال ۱۳۶۵ تا ۱۳۷۲، دوران بسیار درخشانی می‌دانند و یکی از مهم‌ترین کارهایش گرفتن ردیف بودجه در مجلس بود که این کار را با رفت‌وآمدهای بسیار و پیگیری‌های فراوان انجام داد. بسیاری از هنرمندان تئاتری او را به‌خاطر باز بودن در اتاقش برای هنرمندان به‌یاد می‌آورند. او همچنین سابقه عضویت عضویت شورای عالی انقلاب فرهنگی (۱۳۸۵-۱۳۷۶) و عضو پیوسته فرهنگستان هنر (از سال ۱۳۸۰ تاکنون) را در کارنامه خود دارد و در سال ۱۳۹۳ به عنوان پژوهشگر پیشکسوت در حوزه‌ی ارتقای کیفیت زندگی مبتلایان به سرطان معرفی شد.



کتابخانه

شاعری از مکتب آکمه‌ایسم

«نقاش نابینا» مجموعه کامل اشعار آنا آخمتووا، با ترجمه احمد پوری و روشنگر آرامش در ۸۴۵ و با قیمت ۹۲ هزار تومان توسط نشر چشمه منتشر شده است. در این کتاب ۸۴۵ صفحه‌ای تمام اشعار این شاعر به‌صورت یک‌جا ارائه شده و شرح و تفسیر نکات مهم شعرها نیز در توضیحات آن آمده است. دو مقدمه به قلم آیزا برلین و آنتولنی نیمن نیز بر غنای این کتاب افزوده است. آنا آخمتووا با نام اصلی آنا آندرییوا گارینکو، زاده ۲۳ ژوئن ۱۸۸۹- درگذشته ۱۹۶۶، شاعر و نویسنده روس بود. او یکی از بنیان‌گذاران مکتب شعری آکمه‌ایسم بود. در آن زمان در روسیه سمبولیسم مکتب شعری مسلط بود اما دو جریان شعری جدید نیز در حال شکل‌گیری بودند؛ یکی جریانی که آخمتووا و همسر او اوش و چند شاعر جوان دیگر آن را به‌وجود آوردند و به آکمه‌ایسم شهرت داشت و جریان دیگر شعری، جنبش فوتوریسم که شاعر شاخص‌اش، مایاکوفسکی بود. «نقاش نابینا» همچنین شامل حدود ۲۰۰ صفحه شرح و توضیحات است که شناخت جامع و کاملی از این شاعر در اختیار خواننده می‌گذارد.



نقاش نابینا نویسنده: آنا آخمتووا مترجمان: احمد پوری و روشنگر آرامش

انتشارات: چشمه

تاریخ

انعقاد عهدنامه مجمل



دربار قاجار و شخص فتحعلی‌شاه به نتایج عهدنامه فینکشتاین میان ایران و فرانسه، به‌خصوص در تضعیف روسیه تزاری بسیار خوشبین بودند. با این همه با انعقاد قرارداد تیلنسیت میان روسیه و فرانسه تحت حکومت ناپلئون، این ذهنیت در پادشاه ایران شکل گرفت که فرانسویان در عمل، قول‌هایشان به ایران را زیر پا گذاشته‌اند. در ایجاد چنین ذهنیتی انگلیس‌ها نیز نقشی مؤثر داشتند و بدین ترتیب بعد از آن، دیپلماسی قاجارها به سوی بریتانیا گرایش پیدا کرد و زمینه برای انعقاد قراردادی با این کشور که به عهدنامه مجمل شهرت پیدا کرده است، فراهم شد. طبق این عهدنامه مودت که در ۲۱ اسفندماه ۱۱۸۷ خورشیدی امضاء شد، اتحاد همیشگی دو دولت ایران و بریتانیا اعلام شد و ایران تعهد داد که همه قراردادهای خود با سایر دول اروپایی و مجوزهایی که بدان کشورها برای عبور از خاک ایران برای حمله به هندوستان داده است را لغو کند. در مقابل دولت انگلستان نیز پذیرفت که هرگاه دولت‌های اروپایی به ایران حمله کنند، نیروی نظامی در اختیار ایران قرار دهد یا به ایران کمک مالی کند.

ضرورت توجه به توسعه سینما در شهرستان‌ها

تعطیلی سینماپارس، عصر جدید و امثالهم ضرورت توجه به تمرکززدایی از سینما در تهران و توسعه آن در شهرهای دیگر را نیز یادآور می‌شود. هم‌اکنون بنا به آمارها، ۲۵ درصد کل سینماهای ایران در تهران متمرکز شده است. این وضعیت نابرابر، پیامدهایی جدی دارد که یکی از مهم‌ترین‌شان محرومیت فرهنگی است. به این معنی که در نبود امکانات و دسترسی به سینما، مردم از تجربه‌های فرهنگی محروم می‌شوند؛ محرومیتی که خودبررشنا آگاهی، تقویت هویت محلی و تبادل فرهنگی مناطق نیز اثر منفی می‌گذارد. موضوع دیگر، فرصت‌های اقتصادی مناطق است. ساخت سینما در شهرستان‌ها نه تنها شغل ایجاد می‌کند، بلکه کسب‌وکارهای محلی مانند رستوران‌ها، کافه‌ها و فروشگاه‌ها را نیز رونق می‌دهد. فروش سینماپارس، هشدار برای صنعت سینمای ایران است. این صنعت برای بقا و شکوفایی، نیازمند نگاهی جامع‌نگر است که هم گذشته را از یاد نهد و هم به آینده بنگرد. با نواوری، همکاری میان دولت و بخش خصوصی و توجه به نیازهای متنوع مخاطبان، می‌توان سینماهای قدیمی‌تر و معرض خطر فروش را به‌عنوان بخشی از هویت فرهنگی و موتور محرک توسعه اجتماعی و اقتصادی سرپایانه داشت و چسب‌ساکشوکفا کرد.